



## بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی بزرگداشت مرحوم آیت‌الله سید مصطفی خمینی - 30 / مهر / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی تشکر میکنم از برادران عزیز که به این فکر افتادند که یاد این عزیز را زنده کنند و گرمی بدارند و خصوصیات شخصیت این مرد باارزش و بزرگوار را توصیف کنند؛ [این،] هم احترام به امام است، هم احترام به خود آن شخصیت

مرحوم آقای حاج آقا مصطفی ( رضوان الله تعالی علیه ) دو جا حقیقتاً درخشید. یکی در اول نهضت - در پانزدهم خرداد- یکی هم در آغاز حرکت عمومی مردم؛ در آنجا با بلند شدن و رفتن به داخل صحن مطهر حضرت معصومه که [آن] حرکت عظیم را ایشان در واقع با این کار هدایت کرد؛ در اینجا [سال ۵۶] هم با درگذشت خود و با حادثه‌ی فقدان خود، عواطف و احساسات این اقیانوس را به حرکت در آورد. در آن قضیه [اول]، البته من آن وقت قم نبودم، در آن روزها زندان بودم؛ لکن آنجا حاج آقا مصطفی ( رضوان الله علیه ) نشان داد که از لحاظ جنس و فلز شخصیتی، نسخه‌ی دوّم خود امام است؛ این را ایشان واقعاً نشان داد. در آن حادثه‌ی عجیب و در آن حمله‌ی مأموران و حوادث تهران و قم، ایشان بلند شد رفت در صحن قم و نشست آنجا. بعضی از مبارزین و شجاعان ( ۲ ) جوانهای قم مثل مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم و کیلی و مانند اینها هم آمدند دُروبر ایشان - آن‌طور که خبرش بعدها برای ما رسید- و مردم را هدایت کردند؛ آن روزی که شبش، امام ( رضوان الله علیه ) را دستگیر کرده بودند؛ بعد از عاشورا. خب، خیلی کار بزرگی بود، خیلی کار مهمی بود. بعد هم ایشان را گرفتند و بردند و مدتی در قزل‌قلعه، زندان بود. خب در این حادثه‌ی اخیر هم واقعاً فقدان مرموز آقای حاج آقا مصطفی، دوستان او را بهت زده کرد؛ یعنی علاقه‌مندان - [امثال] ماها در مشهد- وقتی شنیدیم، واقعاً مثل آدمهایی که صاعقه‌زده هستند، یک چنین حالی دست داد؛ هم برای فقدان خود او که واقعاً شخصیت عزیز و مغتنمی بود، هم برای اینکه برای امام چه پیش خواهد آمد که این جوان را و این مرد را از دست داد. لکن تصوّر نمیشد که این حادثه که برای دوستان این قدر سنگین است، بتواند یک چنین تلاطمی و موجی به وجود بیاورد؛ و به وجود آورد. همین که فرمودند امام که از الطاف خفیه‌ی الهی بود، ( ۳ ) واقعاً همین بود؛ و چه عظمتی میخواهد که یک پدر در مقابل یک چنین فقدانی، با این نگاه و از این منظر مسئله را ببیند، نه از منظر یک مصیبت، نه از منظر یک مسئله‌ی شخصی.

مرحوم حاج آقا مصطفی انسان برجسته‌ای بود. البته من این سالهای آخری که ایشان رفتند اول به ترکیه و بعد نجف، خب ایشان را دیگر ندیده بودیم؛ از دور از بعضی از احوال ایشان مطلع بودیم؛ لکن وقتی ایشان قم بود و ما هم قم بودیم، کاملاً از نزدیک من ایشان را می‌شناختم. اولاً ایشان از لحاظ ذهن و استعداد علمی، جزو افراد کم‌نظیر بود؛ یعنی ایشان واقعاً [دارای] یک استعداد برتر و یک ذهن وقاد ( ۴ ) که آقای رشاد تعبیر کردند و کاملاً درست است، بود. ایشان درس هم خوب خوانده بود؛ با اینکه حالا ایشان اهل گعده و مانند اینها هم بود - حالا ما که نمیدیدیم، [ولی] میگفتند ایشان در صحن، گاهی اوقات تا دو ساعت از شب آنجا گعده [داشت] - لکن بعد که میرفت منزل و مشغول مطالعه میشد، از همه‌ی آن کسانی که اقرانش ( ۵ ) بودند، ایشان جلوتر بود؛ از همه‌شان، هم فاضل‌تر بود، هم فهیم‌تر بود. بنابراین از لحاظ علمی و از لحاظ ذهنی، یک چنین آدم برجسته‌ای بود.



از لحاظ جرئت علمی هم همین جور بود؛ یعنی آدم با جرئتی بود. من یادم نمیرود اشکالات ایشان را سر درس امام؛ ایشان سر درس اصول امام اشکال میکرد؛ عقب هم می‌نشست و فریاد میکشید؛ تماشایی بود برخورد این پدر با پسر! اشکال میکرد به امام؛ وقتی هم میخواست اشکال کند، یک خرده بلندتر می‌نشست - یک جوری می‌نشست که خیلی چهره [معلوم باشد]، بلند بود، شاخص بود - داد میکشید. امام سر درس داد میکشیدند، خیلی از اوقات فریاد میزدند؛ بخصوص کسانی که در اشکال، پیگیری میکردند، امام همین طور گاهی سرشان داد میکشیدند؛ امام هم همین طور متقابلاً با این پسر [بلند حرف میزد] و بحث میشد. خیلی واقعاً مناظر زیبایی است اینها؛ انسان در حوزه‌های علمی وقتی نگاه کند، این سنت‌های حوزه‌ای وقتی دست انسانهای لایق و برجسته می‌افتد، این جوری از آب درمی‌آید. حالا خود امام در اصول یک آدم مبنابرانداز و مبناساز بود؛ یعنی دُروبر حرفهای دیگران نمیگشت؛ خود امام، مبنا درست میکرد؛ از جمله‌ی فقها و اصولیینی که صاحب مبانی جمعی و جامع هستند، یکی امام بزرگوار است؛ مثل بعضی از بزرگان دیگر، مثل مرحوم آخوند، (۶) مثل مرحوم نائینی و امثال اینها؛ یعنی یک چنین شخصیتی بود؛ [یعنی] این جور نبود که حالا یک مثالی است و درس اصول دارد میگوید که هرکسی بتواند اشکال کند؛ اما این جوان اشکال میکرد. آن وقتی که من عرض میکنم، شاید حاج آقا مصطفی در سالهای ۳۸، ۳۹، ۴۰، مثلاً ۳۰ سال، ۳۱ یا ۳۲ سال بیشتر هم نداشت، ولی خب این جوری بود. جرئت علمی‌اش زیاد بود؛ در کتابهایی هم که ایشان نوشته است - کتابهایی که آقای سجادی (۷) زحمت کشیده‌اند و خیلی از کارهای ایشان را جمع کرده‌اند - این معلوم است؛ کاملاً پیدا است.

امام یک مبنای مهمّ اصولی دارند [به نام] «خطابات قانونی»؛ ایشان خطابات شرعی را از قبیل خطابات قانونی میدانند؛ مبنای خیلی مهمّی است که در چندین مسئله‌ی اساسی اصولی، این مبنا اثر میگذارد؛ امام هم روی این مبنا فکر کردند و کار کردند و با مقدمات فراوانی آن را در اصول، بیان کردند. چندجا هم بیان کردند؛ از جمله در آن جای اصلی، با مقدمات فراوان - شاید شش هفت مقدمه - ایشان بیان میکنند؛ حاج آقا مصطفی میپردازد به این مبنا. اوّل که خب تعریف میکند، جا هم دارد؛ واقعاً این مبنا، مبنای تعریف‌داری است؛ تعریف مفصلی از این مبنا میکند که این چه جور است، یک چیز فوق‌العاده‌ای است - راست هم میگوید واقعاً؛ یک فکر فوق‌العاده‌ای است که امام [کردند] - بعد شروع میکند مناقشه کردن؛ دانه دانه این مقدماتی را که امام ذکر کردند، ذکر میکند و بعد میگوید، نه این مقدمه هیچ لزومی نداشت، اصلاً ربطی ندارد و مانند اینها، رد میکند؛ [همین طور] مقدمه‌ی بعدی، مقدمه‌ی بعدی! البته بعد خود ایشان مبنا را تحکیم میکند، نه اینکه رد بکند - یعنی واقعاً هم قابل رد نیست این مبنایی که امام دارند؛ این مبنای اصولی، واقعاً قابل رد هم نیست اگرچه مخالف هم زیاد دارد - غرض، مرحوم حاج آقا مصطفی این جوری است؛ از لحاظ علمی، هم با استعداد است، هم کار کرده است، هم با جرئت علمی است. من یک نوشته‌ای دیدم از ایشان - حالا یادم نیست کجا بود و چند سال پیش از این - که ایشان [وقتی به] درسهای علما و مدرسین معروف نجف میرفته، اشکالاتی بر هرکدام از اینها در یک مسئله‌ی قابل توجهی ذکر میکند؛ همه‌ی اینها را آقایان زحمت کشیده‌اند، جمع کرده‌اند؛ انسان این جوری‌ای بود. این از لحاظ علمی و فکر و مانند اینها.

از لحاظ عملی، آقای حاج آقا مصطفی یک انسان انصافاً ممتازی بود؛ این مهم است. پسر کسی مثل امام خمینی [بود] - خب ایشان در قم معروف بودند؛ چه قبل از مرجعیت، چه زمان مرجعیت - [اما] یک ذره نشانه‌های آقا زادگی در حاج آقا مصطفی نبود. امام در ایام فاطمیّه چند روز یک روزه‌ای داشتند؛ حتی در منزل امام و روزه‌ی امام [هم] انسان، حاج آقا مصطفی را نمیدید که بیاید خودش را بچسباند به امام؛ باینکه عاشق امام بود - که بعد خواهیم گفت؛ واقعاً از آن پسرهایی بود که عاشق پدرش بود یعنی واقعاً عشق می‌ورزید به امام - اما دُروبر امام به صورت



آقازادگی و مانند اینها، مطلقاً ایشان حرکتی نمیکرد. بعد که در سال ۴۱ مبارزات شروع شد، عصرها و سرشب، منزل امام رفت و آمد فراوانی میشد و ما همیشه و هر روز میدیدیم حاج آقا مصطفی دم در نشسته؛ این آدمی که کمتر آنجا دیده میشد، از وقتی مبارزه شروع شد از سال ۴۱ در قضیه‌ی انجمنها، مرحوم حاج آقا مصطفی هر روز آنجا حضور پیدا میکرد و می‌نشست؛ یعنی منبش، منبش مبارزاتی بود.

از لحاظ سادگی وضع زندگی، به معنای واقعی کلمه مرحوم حاج آقا مصطفی، زاهد بود؛ از لحاظ لباس، از لحاظ رفتار، از لحاظ خوراک، از لحاظ رسیدگی به خانواده؛ واقعاً آدم معروض (۸) از دنیا و زاهدی بود؛ این اواخری که ما دیده بودیم؛ آن دوره‌ی نجف را من خیلی اطلاع زیادی ندارم. تا دوره‌ی قبل از مبارزات، ایشان گرایش سلوکی خوبی هم پیدا کرده بود؛ یک توجهاتی داشت، اهل ذکر و حضور و این حرفها بود. این هم این جنبه‌ی دیگر ایشان.

و جنبه‌ی دیگر حاج آقا مصطفی، شجاعت او بود؛ یعنی واقعاً اینکه امام فرمودند که امید آینده‌ی اسلام بود، این به‌خاطر جامعیت این آدم بود؛ هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ تهذیب نفس و مراقبت از نفس، و هم از لحاظ شجاعت - یک مرجعی که بخواهد مرجع امور مردم قرار بگیرد، باید شجاعت داشته باشد؛ باید بتواند مسائل جامعه را بفهمد؛ و آنجایی که لازم است اقدام کند، اقدام کند - انصافاً آقای حاج آقا مصطفی (رضوان الله تعالی علیه) این جور بود؛ به‌هرحال، شخصیت برجسته‌ای بود.

شما بسیار کار خوبی کردید که روی کارهای ایشان و افکار ایشان کار کردید. البته خیلی از کارهایی که ایشان کرده نصفه‌کاره مانده؛ همین تفسیر و مانند آن، همه تکه‌تکه و نصفه‌کاره است. شاید مفصل‌ترینش، آن اصول (۹) ایشان باشد؛ و الا بحثهای فقهی و تفسیری و حتی علوم غریبه [هم دارند] - در آن تفسیرشان، (۱۰) ایشان حتی علوم غریبه و مانند اینها هم دارد - در همه‌ی اینها ایشان یک مطلبی دارند. کارکردن روی جامعیت علمی ایشان، به نظر من خیلی خوب است. من آن فهرستی را که تهیه کردید برای کارهایی که مقالات متوجه به آنها است، نگاه کردم، مرور کردم؛ فهرست مفصّلی است. و اگر بتوانید برای همه‌ی اینها یک یا چند مقاله‌ی مستند و خوب در اختیار داشته باشید، واقعاً خوب است؛ یعنی جا دارد و ارزش این را دارد. و البته خدای متعال این مرد را وسیله‌ای قرار داد برای نشان دادن بخشی از شخصیت امام (رضوان الله علیه)؛ امام، هم در تربیت این جوان که توانست این فرزند را پرورش بدهد به این شکل، و هم در تحمل و صبری که در مصیبت او کرد، حقیقتاً از خود یک هویت نشان داد که قبل از آن شناخته‌شده نبود و دانسته نبود از امام و عظمت امام را نشان داد. امیدواریم ان شاء الله خداوند، درجات ایشان را عالی کند.

ایشان - مرحوم حاج آقا مصطفی - بشدت علاقه‌مند به امام بود؛ بشدت! این را در قم خود من دیده بودم؛ نجف هم اتفاق افتاده بود که آمدند برای من نقل کردند؛ آن چنان روی حفظ حیثیت امام حساس بود که اگر چنانچه کسی اندک تعرضی یا خدشه‌ای به شخصیت امام وارد میکرد، حاج آقا مصطفی در مقابله و مواجهه‌ی با او بی‌تاب میشد و عکس‌العمل‌های تند و شدید نشان میداد که عرض کردم یک نمونه‌اش را من قم خودم مواجه شدم و از نزدیک مطلع شدم، یک نمونه هم نقل کردند برای ما که در نجف اتفاق افتاده بود.

به‌هرحال خداوند ان شاء الله درجات ایشان را عالی کند، درجات امام بزرگوار را خداوند عالی کند و به ما توفیق بدهد تا ان شاء الله بیشتر بتوانیم بشناسیم این شخصیت‌های با عظمت را و به شما هم توفیق بدهد که بتوانید این کار را



ان شاء الله با بهترین وجهی دنبال کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱) کنگره‌ی بزرگداشت منزلت و خدمات علمی و انقلابی آیت الله شهید سید مصطفی خمینی به همّت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، روزهای اوّل و دوّم آبان ماه سال جاری در تهران و قم برگزار میشود. در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی) گزارشی ارائه کرد.

۲) شجاعان، دلیران

۳) صحیفه‌ی امام، ج ۳، ص ۲۳۴

۴) فهیم، دریا بنده

۵) همپایگان، همتایان

۶) مّلا محمد کاظم خراسانی (معروف به آخوند خراسانی)

۷) حجّت الاسلام والمسلمین سید محمد سجّادی (مدیر موسسه‌ی تحقیقاتی شهید مصطفی خمینی)

۸) پشت کننده، روی برگرداننده از چیزی

۹) تحریرات فی الاصول

۱۰) تفسیر القرآن الکریم